آداب سفر در دايره المعارف فقه شيعه (جواهر الكلام)

ولي الله ملكوتي

چکيده

فقهاي بزرگوار ما در کتاب حج ـ با توجه به اهميت ويژة اين سفر معنوي و اثري که در انسان دارد ـ آدابي را از مجامع حديثي استخراج و تبيين کرده‌اند که عمل به آن‌ها در رسيدن به هدف واقعيِ حج، بسيار مؤثر است و به روح و روان انسان جان تازه مي‌بخشد. بيشتر مطالبي که در اين نوشته بررسي گرديده، بر مبناي حديثي است که امام صادق(ع) در حديث حمّاد بن عيسي از وصيت لقمان بيان مي‌کند.

کليد واژه‌ها : سفر، آداب، صاحب جواهر، نماز.

مقدّمه

همه ساله افراد زيادي به سفرهاي زيارتي؛ مانند حج، عمره، عتبات عاليات، سوريه و مشهد رضوي و ديگر اماکن مقدّس مي روند، ولي هدف اصلي زيارت که تغيير رفتار و الگو گرفتن از بزرگان و در نهايت قُرب الهي است، کمتر حاصل مي‌شود. براي نمونه، از هدف‌هاي مهم در تمام زيارت ها، توجه بيشتر به واجبات ديني است؛ مانند نماز، پرداخت خمس، رعايت حق‌الناس و... ليکن در عمل مي‌بينيم که در بسياري از زائران تحوّل لازم به وجود نيامده است. يکي از علت‌هاي عمدة آن، اين است که با اسرار، آداب و اخلاق در سفر آشنايي لازم نداريم و حال آن که در کتاب‌هاي فقهي، اخلاقي، تفسيري و حديثي، مطالب بسيار مفيدي وجود دارد که عمل به آن ها دگرگوني عجيبي در زندگي فردي و اجتماعي مسافر ايجاد مي‌کند.

ما براي رسيدن به اين هدف والا، آداب سفرهاي زيارتي را از کتب گوناگون استخراج کرده‌ايم که اهم آن ها دايرة‌المعارف شيعه؛ يعني جواهرالکلام و کتاب‌هاي «المحجّةالبيضاء» و «وسائل‌الشيعه» مي‌باشد.

اميد است با عمل به آنچه به عنوان ويژگي‌هاي سفرهاي زيارتي در پيش رو داريم بتوانيم گامي هر چند کوچک در تعالي جامعة اسلامي برداريم.

ويژگي‌ها و آداب سفرهاي زيارتي

1. وصيت کردن

سفر همراه با خطر است، بنابراين، مسافر بايد آمادگي بيشتري براي سفر آخرت داشته باشد. ابن ابي عمير در حديث مرسله‌اي از امام صادق(ع) نقل مي‌کند: « مَنْ رَكِبَ رَاحِلَةً فَلْيُوص‏ »؛1 «کسي که سوار بر مرکب مي‌شود (به مسافرت مي‌رود) بايد وصيت کند.»

2. انجام غسل سفر

مرحوم يزدي در کتاب عروة ‌الوثقي، غسل‌ها را تقسيم به سه کرده، مي نويسد:

«زماني، مکاني و فعلي و براي هر يک مصاديقي بيان مي‌کند. غسل سفر را، هم مي‌توان در ذيل غسل‌هاي فعلي و هم غسل‌هاي مکاني قرار داد، لذا شايسته است زائران پيش از تشرف به اماکن مقدس، از غسل غفلت نکنند بلکه زيبنده است که هر وقت انسان استحمام مي‌کند همراه با اغسال ديگر، غسل توبه از گناه را نيز نيت کند.»2

صاحب جواهر مي‌نويسد:

«از جمله اغسال فعليه، غسل براي کسي است که مي‌خواهد سفر برود؛ به خصوص سفر زيارت امام حسين(ع) به خاطر روايت مرسلي که ابن طاووس در«امان الاخطار» آورده وخبري که ابو بصير از امام صادق(ع) در خصوص زيارت سيدالشهدا(ع) نقل مي‌کند:

« إِذَا أَرَدْتَ الْخُرُوجَ إِلَي أَبِي عَبْدِ الله (ع) فَصُمْ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ ثَلاثَةَ أَيَّامٍ يَوْمَ الأَرْبِعَاءِ وَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَإِذَا أَمْسَيْتَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَصَلِّ صَلاةَ اللَّيْلِ، ثُمَّ قُمْ فَانْظُرْ فِي نَوَاحِي السَّمَاءِ وَ اغْتَسِلْ تِلْكَ اللَّيْلَةَ قَبْلَ الْمَغْرِبِ، ثُمَّ تَنَامُ عَلَي طُهْرٍ، فَإِذَا أَرَدْتَ الْمَشْيَ إِلَيْهِ فَاغْتَسِلْ وَ لاَ تَطَيَّبْ وَ لاَ تَدَّهِنْ وَ لاَ تَكْتَحِلْ حَتَّي تَأْتِيَ الْقَبْرَ ». 3

«هرگاه خواستي به زيارت سيدالشهدا(ع) بروي، سه روز؛ روزهاي چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه روزه بگير، در شب جمعه نماز شب بخوان، سپس به اطراف آسمان نگاه کن و قبل از مغرب آن شب غسل کن و با طهارت بخواب و وقتي خواستي به زيارت بروي غسل کن، از بوي خوش و روغن و سرمه استفاده نکن تا اين که به نزديک قبر شوي.»

شيخ بهايي در بارة مستند غسل توبه مي‌نويسد:

«مستند غسل توبه از فسق و معصيت، روايتي است که شيخ طوسي(ره) (385ـ460) در تهذيب‌الاخبار، از امام جعفر صادق(ع) روايت کرده است که مردي به حضور پيامبر خدا(ص) رسيد و عرض کرد: من همسايگاني دارم و آنان کنيزاني دارند که آواز مي‌خوانند و عود مي‌نوازند و بسا اتّفاق مي‌افتد که به دستشويي مي‌روم و براي گوش دادن آوازهاي آنان، نشستن خود را طولاني مي‌کنم. تکليف من چيست؟ حضرت فرمود: چنين نکن! عرض کرد: به خدا سوگند من به پاي خود به آن عمل نمي‌روم، فقط سماعي است که با گوش خود مي‌شنوم. امام(ع) فرمود: قسم به عظمت خدا، که نبايد چنين کني. آيا سخن خدا را نشنيده‌اي که فرمود: ( إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ كُلُّ أُولئِكَ كانَ عَنْهُ مَسْؤُلاً )؛ «گوش، چشم و قلب، همة اين‌ها در روز قيامت مورد سئوال قرار مي‌گيرند.» مرد گفت: گويا اين آيه را نشنيده بودم، آن عمل را ترک و استغفار مي‌کنم. امام(ع) خطاب به وي فرمود: برخيز و غسل کن و هر چه توانستي نماز بخوان! تو پرتگاه گناه بزرگي ايستاده بودي و چقدر حال تو بد بود، اگر در چنين حالي از دنيا مي‌رفتي؟! از خداوند طلب مغرفت کن وتوبه بخواه، از هر چيزي که مکروه مي‌دارد وخدا جز قبيح چيز ديگري را مکروه نمي‌شمارد... قبيح را به اهل خود واگذار، چون هر چيزي اهلي دارد.»4

شايان ذکر است که سمرقندي در تفسير خود، ذيل آية 36 سورة بني‌اسرائيل؛ ( وَ لا تَقْفُ ما لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ... ) حديث مذکور را نقل کرده.»5

3. پرداخت صدقه

وجود مبارک امام سجاد(ع) وقتي مي‌خواستند مسافرت کنند، با دادن صدقه، سلامتي خود را مي‌خريدند. پرداخت صدقه را موکول مي‌کردند به زماني که سوار بر مرکب مي‌شدند و وقتي به سلامت به مقصد مي‌رسيدند حمد و شکر الهي را انجام مي‌دادند و هرچه فراهم مي‌شد صدقه مي‌دادند.6

مرحوم بحراني در کتاب «الحدائق الناضره» مي‌نويسد:

«مستحب است هنگام صدقه دادن بگويد: « اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلامَتِي وَ سَلامَةَ سَفَرِي وَمَا مَعِي فَسَلِّمْنِي وَسَلِّمْ مَا مَعِي وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِي بِبَلاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيل ».‏7

صدقه نحس بودن سفر را در ايامي که مکروه است از بين مي‌برد. امام صادق(ع) مي‌فرمايد: « تَصَدَّقْ وَاخْرُجْ أَيَّ يَوْمٍ شِئْتَ »؛8 «صدقه بده وهر زمان خواستي سفر کن.»

حمادبن عثمان به امام صادق(ع) عرض کرد: آيا سفر در بعضي از روزهاي نحس، مانند چهارشنبه و مانند آن مکروه است؟ فرمود: سفرت را با صدقه آغاز کن و هرگاه خواستي سفر کن و آية‌الکرسي را بخوان9 و نيز از آن امام همام(ع) نقل شده: هر کسي که صبحگاه صدقه بدهد، خداوند نحوست آن روز را از او دور مي‌کند.»10

و نيز در حديث وارد شده: «صدقه بلاي قطعي را از بين مي‌برد11 بلکه صدقه بلا را بعد از مرگ دفع مي‌کند تا چه رسد در حال حيات.»

صاحب جواهر بعد از بيان احاديث فوق مي‌نويسد: «چه بسا از آنچه گفته شد استحباب دو بار صدقه دادن استفاده شود؛ يکي به هنگام شروع سفر و ديگري به هنگام سوار شدن بر وسيلة نقليه و ممکن است منظور يک صدقه باشد البته بدون شک صدقه زياد دادن بهتر است.»

آنچه الآن متعارف است، اين است که يکبار به هنگام خروج از منزل صدقه مي‌دهند و بار ديگر به هنگام سوار شدن بر مرکب بلکه مقتضي حديث اول استحباب صدقه به هنگام سالم رسيدن به وطن نيز مي‌باشد. 12

4. خواندن دعا

يکي ديگر از مستحبات سفر، خواندن دو رکعت نماز است. امام صادق(ع) از پدرانش نقل مي‌کند که رسول الله(ص) بر استحباب دو رکعت نماز به هنگام مسافرت تأکيد کرده است. 13

پيامبر فرمود: شخص به هنگام مسافرت چيزي بهتر از دو رکعت نماز براي خانواده‌اش از خود باقي نمي‌گذارد و پس اين دعا را مي‌خواند:

« اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ أَمَانَتِي وَ خَاتِمَةَ عَمَلِي... ».

شيخ حر عاملي در ادامه اين دعا مي‌نويسد: «کسي که اين دعا را نمي‌خواند مگر اين که خداوند حاجت او را برآورده مي‌کند.» 14

صاحب جواهر اينگونه ادامه مي‌دهد: «بهتر از اين دعا، دعايي است که سيد بن طاووس در امان‌ الأخطار از پيامبر گرامي(ص) نقل کرده و آن اين است که:

« مَا اسْتَخْلَفَ الْعَبْدُ فِي أَهْلِهِ مِنْ خَلِيفَةٍ إِذَا هُوَ شَدَّ ثِيَابَ سَفَرِهِ خَيْرٍ مِنْ أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ يُصَلِّيهِنَّ فِي بَيْتِهِ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ قُلْ هُوَ الله أَحَدٌ وَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِهِنَّ فَاجْعَلْهُنَّ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَ مَالِي ».15

«هرگاه بنده اي عازم سفر است، چيزي را بهتر از چهار رکعت نماز که در هر رکعتِ آن سورة فاتحه و اخلاص را بخواند، از خود به جاي نمي‌گذارد و در نماز اين دعا را مي‌خواند: خدايا! من با اين نمازها به تو تقرب جستم پس آن را جانشين من در خانواده و مالم قرار ده!»

و نيز يزيد بن معاوية عجلي از امام باقر(ع) نقل مي‌کند:

«كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) ‏ إِذَا أَرَادَ سَفَراً جَمَعَ عِيَالَهُ فِي بَيْتٍ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْغَدَاةَ نَفْسِي وَ مَالِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي الشَّاهِدَ مِنَّا وَ الْغَائِبَ، اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَ احْفَظْ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جِوَارِكَ اللَّهُمَّ لاَ تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَ لاَ تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ عَافِيَتِكَ وَ فَضْلِكَ ».16

«امام باقر(ع) هر گاه عازم سفر مي شد، اهل خانه و فرزندانش را در خانه جمع مي کرد و در ميان آنان، اينگونه دعا مي کرد: خدايا! من عازم سفرم، لذا خود و خانواده و فرزندانم؛ آنان را که حاضرند وآنان  را که غايب اند به تو سپردم. خدايا! به ما توجه کن و حافظمان باش! خدايا! ما را در جوارت پناه ده، بار الها! نعمتت را از ما مگير و سلامتي و فضلت را تغيير نده.»

5 . قرائت سورة حمد و آية‌الکرسي

از امام معصوم(ع) نقل شده که در سمت راست و چپ وجلو مسافر سورة حمد وآية‌ ‌الکرسي و دعاي مخصوص خوانده شود. 17

صاحب جواهر در دليل فتواي خود، اين حديث را بيان مي‌کند:

« قال أبو الحسن(ع) في خبر الحذّاء المرويّ في الفقيه و موضع من الكافي: لَوْ كَانَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ إِذَا أَرَادَ سَفَراً قَامَ عَلَي بَابِ دَارِهِ تِلْقَاءَ وَجْهِهِ الَّذِي يَتَوَجَّهُ لَهُ فَقَرَأَ الْحَمْدَ أَمَامَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ أَمَامَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِي، وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِي وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِي بِبَلاَغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيل ».18

«... هر گاه شخصي از شما قصد سفر داشت، جلو در ايستاده، به سمت راست و چپ سورة حمد و آية ‌الکرسي بخواند، آنگاه بگويد: خدايا! مرا و آنچه متعلق به من است، حفظ کن و سالم بدار و مرا و آنچه با من است به مقصد برسان. کسي که اين اعمال را انجام دهد، خداوند او و آنچه متعلق به اوست را حفظ مي‌کند و سالم به مقصد مي‌رساند.»

در وسائل الشيعه معوذتين را نيز در متن حديث آورده و نيز کليني در سه مورد حديث را بيان کرده که در يکجا معوذتين و توحيد را نيامده است.

درباره آية ‌‌الکرسي نقل شده است که:

« إِنَّ لِكُلِّ شَيْ‏ءٍ ذِرْوَةٌ وَ ذِرْوَةُ الْقُرْآنِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ، مَنْ قَرَأَهَا مَرَّةً صَرَفَ الله عَنْهُ أَلْفَ مَكْرُوهٍ مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَ أَلْفَ مَكْرُوهٍ مِنْ مَكَارِهِ الآخِرَةِ، أَيْسَرُ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا الْفَقْرُ وَ أَيْسَرُ مَكْرُوهِ الآخِرَةِ عَذَابُ الْقَبْرِ، وَ إِنِّي لأَسْتَعِينُ بِهَا عَلَي صُعُودِ الدَّرَجَة ».19

«براي هر چيزي نقطة اوجي است و نقطة اوج قرآن، آية‌ الکرسي است. کسي که يک  بار آن را بخواند خداوند هزار ناپسند دنيوي و هزار ناپسند اخروي را از او برطرف مي‌سازد. آسان‌ترين ناپسند دنيوي فقر است و آسان‌ترين ناپسند اخروي عذاب قبر و من براي صعود به بلندي از آن کمک مي‌گيرم.»

و نيز وارد شده چون چيزي را ببيند که بترسد، آية‌‌الکرسي را بخواند. 20

سيد نعمت الله جزائري(ره) مي‌گويد: «قرآن و آياتش شفاي تمام امراض است؛ به خصوص آية‌‌الکرسي فوايد آن را بنده و ديگران تجربه کرده‌اند... در حديث آمده: «کسي که يک مرتبه آية‌‌الکرسي بخواند، خداوند يک فرشته را براي محافظت او مي‌فرستد، وقتي دوبار بخواند دو فرشته را مي‌فرستد تا او را حفظ کند و به همين منوال تا پنج مرتبه، وقتي پنج بار بخواند خداوند به ملائکه مي‌فرمايد: رهايش کنيد خودم از او محافظت مي‌کنم.» 21

6 . خواندن «سورة قدر»

در سفر به خصوص حج تمتّع مواقعي پيش مي‌آيد که گريزي از پياده‌روي نيست. تلاوت سورة قدر سبب مي‌شود که خستگي راه را احساس نکند و اگر به هنگام سوار شدن بر مرکب خوانده شود، سالم و آمرزيده به مقصد مي‌رسد. امام کاظم(ع) فرمود:

« لَوْ حَجَّ رَجُلٌ مَاشِياً، فَقَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ، مَا وَجَدَ أَلَمَ الْمَشْيِ وَ قَالَ مَا قَرَأَ أَحَدٌ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ حِينَ يَرْكَبُ دَابَّةً إِلاَّ نَزَلَ مِنْهَا سَالِماً، مَغْفُوراً لَهُ، وَ لَقَارِئُهَا أَثْقَلُ عَلَي الدَّوَابِّ مِنَ الْحَدِيدِ ». 22

«حج گزاري که پياده مي‌رود، اگر سورة قدر را بخواند خستگي راه رفتن را احساس نخواهد کرد. احدي سورة قدر را به هنگام سوار شدن بر مرکب نمي‌خواند، مگر اين که سالم و آمرزيده به مقصد مي‌رسد. کسي که اين سوره را مي‌خواند، بر چهارپا از آهن سنگين‌تر است.»

و نيز از امام باقر(ع) نقل شده که فرمود:

« لَوْ كَانَ شَيْ‏ءٌ يَسْبِقُ الْقَدَرَ لَقُلْتُ: قَارِئُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ، حِينَ يُسَافِرُ أَوْ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ، سَيَرْجِعُ ».23

«اگر از من بپرسند آيا چيزي هست که به قدر الهي سبقت بگيرد؟ هر آينه خواهم گفت آن کسي است که به هنگام مسافرت يا خروج از منزل سورة قدر بخواند.»

و احاديث ديگرکه از احصاي آن‌ها، معذوريم و دشوار است.

7. ادعية مأثوره از اهل بيت(هم)

معاوية بن عمار از امام صادق (ع) نقل مي‌کند که چون خواستي حج يا عمره به   جا آوري، دعاي فرج را بخوان و آن عبارت است از:

« لاَ إِلَهَ إِلاَّ الله الْعَلِيُّ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ الله الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ الله رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ الْحَمْدُ لَلهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ».24

از جمله دعاهاي کوتاه و اثرگذار در سفر، دعاي زير است که بسياري از بزرگان نقل کرده‌اند؛ و آن را براي حفظ خود و اثاثيه بخوانيد: « يَا حَافِظاً لاَ يُنسَي، وَ يَا مَن نِعَمُهُ لاَ تُحصَي، أنتَ قُلتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ ( إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ ).» 25

و در حديث ابو حمزه آمده است که انسان به هنگام سفر، سه بار الله اکبر بگويد و سه بار بگويد: «بِا لله أَخْرُجُ وَ بِا   لله أَدْخُلُ وَ عَلَي الله أَتَوَكَّلُ... » و آنگاه بگويد: « اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِي هَذَا بِخَيْرٍ وَ اخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَ قِنِي شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ، أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ».26

در صحيحه معاوية بن عمار آمده است: به هنگام سفر مي‌گويي:

« اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَاراً مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ثُمَّ قُلْ: بِسْمِ الله دَخَلْتُ، وَ بِسْمِ   ا   لله خَرَجْتُ، وَ فِي سَبِيلِ الله ؛ اللَّهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ بَيْنَ يَدَيْ نِسْيَانِي وَ عَجَلَتِي بِسْمِ الله ، وَ مَا شَاءَ الله فِي سَفَرِي هَذَا، ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسِيتُهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَي الأُمُورِ كُلِّهَا، وَ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَ الْخَلِيفَةُ فِي الأَهْلِ؛ اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا وَ اطْوِ لَنَا الأَرْضَ، وَ سَيِّرْنَا فِيهَا بِطَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ ـ صَلَّي الله عَلَيْهِ وَ آلِه‏ وَ سَلَّم ـ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا، وَ بَارِكْ لَنَا فِيمَا رَزَقْتَنَا، وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ، وَ كَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي وَ نَاصِرِي، بِكَ أَحُلُّ وَ بِكَ أَسِيرُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي سَفَرِي هَذَا السُّرُورَ، وَ الْعَمَلَ بِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، اللَّهُمَّ اقْطَعْ عَنِّي بُعْدَهُ وَ مَشَقَّتَهُ وَ اصْحَبْنِي فِيهِ، وَ اخْلُفْنِي فِي أَهْلِي بِخَيْرٍ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِا   لله ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُك، وَ هَذَا حُمْلانُكَ، وَ الْوَجْهُ وَجْهُكَ، وَ السَّفَرُ إِلَيْكَ وَ قَدِ اطَّلَعْتَ عَلَي مَا لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ، فَاجْعَلْ سَفَرِي هَذَا كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهُ مِنْ ذُنُوبِي، وَ كُنْ عَوْناً لِي عَلَيْهِ، وَ اكْفِنِي وَعْثَهُ وَ مَشَقَّتَهُ وَ لَقِّنِّي مِنَ الْقَوْلِ وَ الْعَمَلِ رِضَاكَ؛ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ بِكَ وَ لَكَ ».27

8 . دعا به هنگام سوار شدن بر مرکب

امام صادق(ع) چون بر مرکب سوار مي‌شدند مي‌فرمودند: « سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ، وَإِنَّا إِلَي رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ».28

و هفت مرتبه «سُبحَان الله» و «الحمد لله» و «لاَ إله إلاَّ الله» مي‌گفت.29

و نيز از امام کاظم(ع) نقل شده که اگر کسي اين آية شريفه را به هنگام سوار شدن بر مرکب بخواند؛ چنانچه دچار سانحه شده از مرکب سقوط کند، به او به اذن خدا آسيبي نخواهد رسيد.

از پيامبر اعظم(ص) نقل شده که وقتي شخصي سوار بر مرکب مي‌شود و بِسْمِ الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيم ‏ مي‌گويد: خداوند ملکي را مأمور مي‌کند که او را محافظت کند تا به مقصد برسد... در آيات شريفة قرآن هم به اين که خداوند فرشتگاني را مأمور حفظ انسان کرده، تصريح شده؛ از جمله آية يازدهم سورة مبارکة رعد: ( لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ الله إِنَّ الله لا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّي يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ الله بِقَوْمٍ سُوءًا فَلاَ مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ). 30

9. تسبيح، تکبير و تهليل

پيامبر اعظم(ص) در سفر وقتي به اماکن پست مي‌رسيدند، سبحان الله مي‌گفتند و چون به اماکن بلند مي‌رسيدند، الله اکبر و لا اله الا الله مي‌گفتند.

«قَالَ رَسُولُ الله (ص) ‏ وَ الَّذِي نَفْسُ أَبِي الْقَاسِمِ بِيَدِهِ مَا هَلَّلَ مُهَلِّلٌ وَ لاَ كَبَّرَ مُكَبِّرٌ عَلَي شَرَفٍ مِنَ الأَشْرَافِ إِلاَّ هَلَّلَ الله مَا خَلْفَهُ وَ كَبَّرَ مَا بَيْنَ يَدَيْهِ بِتَهْلِيلِهِ وَ تَكْبِيرِهِ حَتَّي يَبْلُغَ مَقْطَعَ التُّرَابِ ». 31

«پيامبرخدا(ص) فرمود: به خدايي که جان من در دست اوست، هيچ شخصيلاَ إلَهَ إلاَّ الله و الله أکبر در بلندي نمي‌گويد مگر اين که آنچه در پشت سر و روبه روي او هستند با او هماهنگ هستند تا اين که به سرزمين هموار برسد.»

10. ورود به مکان جديد

وقتي به مکان ترسناک وارد شد بگويد:

( رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصِيراً ).32

در آية کريمه از خداوند خواسته شده که در هر حال مرا اعانت کن؛ چه در وقت وارد شدن به جايي چه در وقت خروج از آنجا و معلوم است کسي که از نصرت الهي برخوردار باشد، ترس براي او مفهومي نخواهد داشت.

به هنگام خواب تسبيحات حضرت فاطمه3 و آية‌‌الکرسي را بخواند. 33

11. مستحب است روز شنبه را براي سفر انتخاب کند

دليل اين مطلب حديثي است که ذيل آية شريفة: ( فَإِذا قُضِيَتِ الصَّلاة... ) وارد شده و آن حديث اين است: ( الصَّلاةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ الانْتِشَارُ يَوْمَ السَّبْتِ ).34

معصوم(ع) فرموده است: شنبه را براي مسافرت انتخاب کنيد. اگر در روز شنبه سنگي از کوه کنده شود، خداوند آن را به مکانش برمي‌گرداند و هر کس که حاجتي داشت روز سه‌شنبه سفر کند، شنبه روزي است که خداوند آهن را براي داود نرم کرد.35

همچنين امام صادق (ع) فرمود: « لاَ تَخْرُجْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي حَاجَةٍ، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ السَّبْتِ وَ طَلَعَتِ الشَّمْسُ فَاخْرُجْ فِي حَاجَتِكَ »؛ « روز جمعه براي حاجت و نیازت سفر نکن، بلکه از روز شنبه، بعد از طلوع خورشيد مسافرت کن. »36

براي هر يک از ايام هفته و روزهاي ماه، براي مسافرت احکامي معين شده که ما جهت خودداري از اطالة کلام، از بيان آن اجتناب مي‌کنيم. مشتاقان به کتاب گرانسنگ جواهرالکلام، کتاب حج، بحث «آداب سفر» رجوع نمايند.

12. همراه داشتن مقداري از تربت امام حسين(ع)

تربت سيد الشهدا(ع) موجب امنيت در سفر37 و شفاي بيماري خواهد بود؛ به ويژه که از آن سبحه بسازد... آن را ببوسد و بر چشم خود نهد و بگويد: « اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَ بِحَقِّ صَاحِبِهَا وَ بِحَقِّ جَدِّهِ وَ بِحَقِّ أَبِيهِ وَ بِحَقِّ أُمِّهِ وَ أَخِيهِ وَ بِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ أَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَ حِفْظاً مِنْ كُلِّ سُوء ».38 انجام اين کار در صبح و شام مطلوب است.

13. به همراه داشتن انگشتر عقيق و فيروزه39

مرحوم صاحب جواهر به دست داشتن انگشتر عقيقي را که يک سمت آن: « ما شاءَ الله لا قُوَّةَ إِلاَّ بِا   لله ، أَسْتَغْفِرُ اللَّه‏ » و سمت ديگر آن «مُحَمَّد وَ عَلِيّ» حک شده باشد، مستحب مي‌داند و اين در امنيت و سلامتي مسافر مؤثر است و دستورات ديني صائب‌تر است و نيز انگشتر فيروزه‌اي که در يک جانب آن « اللهُ المَلِک» و بر طرف ديگر آن « الْمُلْكُ لَلهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّار » باشد. امان از درندگان و پيروزي در جنگ است. ممکن است قبول اين مطلب براي بعضي سخت باشد ولي نبايد فراموش کرد که زماني قبول اين مطلب براي انسان سخت بود که چطور طلا براي زن مفيد و براي مرد مضر باشد ولي اکنون علم پزشکي ثابت کرده و از طرفي به ياد داشته باشيم که ابن سينا با آن نبوغ حيرت‌آوري که داشت، مي‌گفت: اگر چه پذيرش معاد جسماني از نظر عقلي دشوار است اما چون صادق مصدق و نبي مکرّم فرموده، ما قبول مي‌کنيم. آري، مشهور است که ابن سينا به هنگام مردن مي‌گفت: « نَموتُ وَ لَيْسَ لَنا حاصِلٌ \*\*\* سَوَاءٌ َ عَلِمْنَا أَنَّهُ مَا عُلِمْ »؛

14. پيمودن راه اصلي

امام علي(ع) مي‌فرمايد: « عَلَيْكُمْ... وَ الْجَادَّةِ وَ إِنْ دَارَتْ... »؛40 «بر شما باد حرکت و سفر از جاده و راه اصلي، هر چند پيچ و خم داشته باشد.»

راه اصلي ممکن است طولاني‌تر باشد اما چون از خطرات احتمالي در امان است، براي سفر مناسب‌تر است. افزون بر آن، اگر مرکب دچار مشکل شود و يا با کمبود زاد و توشه مواجه گردد، در راه اصلي و جاده مي‌تواند خودش را نجات دهد. تجربه نشان داده که در مجموع پيمودن راه اصلي به مراتب از راه‌هاي فرعي بهتر است.

\* \* \*

مرحوم شيخ محمد حسن نجفي، صاحب جواهر در پايان بحث مسائل مربوط به سفر مي‌نويسد:

«شايسته است مسافران به مضمون حديثي از حماد بن عيسي که به نقل امام صادق(ع) آورده و در وصيت لقمان است، عمل کنند. بر اين حديث فوايد زيادي هست. 41

15. مشورت با هم سفران

امام صادق (ع) : « قَالَ لُقْمَانُ لابْنِهِ: إِذَا سَافَرْتَ مَعَ قَوْمٍ فَأَكْثِرِ اسْتِشَارَتَكَ إِيَّاهُمْ فِي أَمْرِكَ وَ أُمُورِهِمْ ».43

«لقمان به فرزندش گفت: هرگاه در سفر با گروهي همراه شدي، در کارهاي مربوط به خودت و آن ها با ايشان زياد مشورت کن.»

وقتي کاري با مشورت انجام شود، چون نتيجة تفکر چند نفر است، به صواب نزديکتر است: « وَ مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا »؛44 «کسي که با مردان مشورت مي‌کند در عقلشان شريک است.» ولي کسي که استبداد رأي داشته باشد، هلاک مي‌شود؛ « مَنِ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَکَ ».

تصميمي که با مشورت جمع گرفته شود، اگر با مشکلي مواجه گردد، تحمّل آن آسان‌تر و با اعتراض کمتري مواجه خواهد شد. سيرة عملي بزرگان هم بر اين بوده که در تصميم‌گيري‌هاي خود، به نظرية جمع احترام قائل بوده‌اند.

16. دست و دل باز بودن

نقل شده که امامان معصوم(هم)45 در سفر دست و دل باز بودند؛ مثلاً امام سجاد(ع) وقتي عازم سفر حج مي شدند، بهترين خوراکي‌ها و آجيل را همراه خود بر مي داشتند؛ « كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ 8 إِذَا سَافَرَ إِلَي الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ،

تَزَوَّدَ مِنْ أَطْيَبِ الزَّادِ مِنَ اللَّوْزِ وَ السُّكَّرِ وَ السَّوِيقِ الْمُحَمَّصِ وَ الْمُحَلَّي ».46 آنان در ضمن ديگران را هم به داشتن چنين صفتي تشويق مي‌کردند. پيامبر اعظم(ص) به همراه داشتن زاد و توشة خوب را نشانة شرافت و بزرگواري شمرده، فرمودند: « مِنْ شَرَفِ الرَّجُلِ أَنْ يُطَيِّبَ زَادَهُ إِذَا خَرَجَ فِي سَفَرٍ ». 47

امام به حق ناطق، حضرت صادق(ع) مي‌فرمايد: مسافر بايد غذاي خوب به همراه داشته باشد؛ « إِذَا سَافَرْتُمْ فَاتَّخِذُوا سُفْرَةً وَ تَنَوَّقُوا فِيهَا ». 48

و حتي در حديثي، حرمت اسراف در سفر حج و عمره، از استثناها شمرده شده است؛ « مَا مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبَّ إِلَي الله مِنْ نَفَقَةِ قَصْدٍ وَ يُبْغِضُ الإِسْرَافَ إِلاَّ فِي حَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ ».49

17. انتخاب دوست؛ (الرفيق ثمّ الطريق)

در لسان احاديث، از سفر کردن به تنهايي، با تعبيرهاي گوناگون نهي شده است؛ لذا گفته‌اند: « الرَّفِيقَ ثُمَّ الطَّرِيقَ ». اول انتخاب رفيق و همراه سفر و سپس آغاز حرکت.

طبق معمول، سفر کردن، همراه با سختي‌ها و دشواري‌ها و بيماري‌ها و حوادث است. اگر دوستان خوبي به همراه انسان باشند، مي‌توانند در رفع مشکلات به يکديگر کمک کرده، رنج سفر را بر خود هموار سازند و بتوانند تحمل کنند. علاوه بر اين، دوست خوب و موافق، ماية انس و دلگرمي است و لذت سفر را دو چندان مي‌کند.

18. تبسّم

« و أَکثَرِ التَّبَسُّمَ فِي وُجوهِهِم »؛ 50 «و در روي آنان تبسم زياد داشته باش.»

از آداب اجتماعي، که بزرگان هم خود به آن عمل کرده و هم ديگران را تشويق مي کنند، اين است که انسان هميشه متبسّم و خنده رو باشد و با مردم با چهره‌اي باز و بشاش برخورد کند. پيامبر اعظم(ص) همواره تبسم بر لب‌ داشتند و نيز جناب خضر به حضرت عيسي سفارش مي‌کند: « کُن بشَّاشاً وَ لاَ تَکُن عَبَّاساً »؛ «گشاده‌رو باش و ترش‌رو مباش.» چهرة خندان سبب جلب محبت و دوستي مي‌شود و چهرة خندان خستگي سفر را برطرف مي‌سازد.

حضرت مي‌فرمايد: «ايمان مؤمن کامل نمي‌شود مگر داراي صد و سه خصلت باشد؛ از جملة آن ها بشاش و خنده‌رو بودن است.» 51

و نيز علي(ع) فرمود: «گشاده‌رويي موجب دوام دوستي است.»52

19. بخشندگي

« وَ كُنْ كَرِيماً عَلَي زَادِكَ »؛ 53 «در زاد و توشه‌ات نسبت به آنان بخشنده باش.»

و نيز در صحيحة معاوية بن عمار از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: « وَ تَسْخُو نَفْسكَ» از آنچه به همراه داري به همسفرانت ببخش چرا که « لَذَّةُ الْكِرَامِ فِي الإطعَامِ وَ لَذَّةُ اللِّئَامِ فِي الطَّعَامِ »؛ «لذت افراد بزرگوار در خوراندن و لذت افراد پست در خوردن است.»

امير مؤمنان(ع) اطعام را موجب تقويت شمرده، مي‌فرمايند: « قُوتُ الأجسَامِ الطَّعَامِ وَ قُوتُ الأروَاحِ الإطعَام ». 54

20. پذيرش دعوت

« وَ إِذَا دَعَوْكَ فَأَجِبْهُم‏ ». 55 «اگر تو را دعوت کردند قبول کن.»

ادب اقتضا مي‌کند که اگر همسفران به امري دعوتت کردند، اجابت کني و از ردّ احسان بپرهيزي. در کتاب آداب معاشرت آمده است: « لا يردّ الإحسان إلاّ الحِمَار ».

21ـ حل مشکلات همسفران

« وَ اِذا اِستعانوکَ فَاَعنِهُمْ »؛56 «و اگر از تو ياري خواستند، کمکشان کن.»

گاهي پيش مي‌آيد که همسفران به کمک تو نياز دارند و چه بسا از ديگري ساخته نباشد، در چنين مواردي بايد با کمال ميل و روي باز، در حد توان در رفع مشکلات آن ها بکوشي. در روايات براي برآوردن حاجتِ ديگران، فوق‌العاده سفارش و تأکيد شده و ثواب عظيمي براي آن بيان گرديده است. غواص درياي حديث‌‌شناسي، محدث نوري در برآوردن حاجات مؤمنان همت عجيبي داشت! وقتي از راز مطلب پرسيدند فرمود: در ميان مستحبات، پاداش هيچ عملي به زيارت سيدالشهدا نمي‌رسد، اما در عين حال در حديثي ديدم که پاداش برآوردن حاجت مؤمن از زيارت سيدالشهدا بالاتر است.

در روايتِ تنبه آفرينِ ديگري، يکي از ياران امام باقر(ع) گويد: به امام(ع) گفتم: فدايت شوم! همانا شيعه نزد ما فراوان است! فرمود: آيا ثروتمندان به مستمندان کمک مي‌کنند؟ آيا نيکوکار از بدکار مي‌گذرد؟ آيا با هم برابري و مساوات دارند؟ گفتم: نه. فرمود:

« لَيْسَ هَؤُلاءِ شِيعَةً الشِّيعَةُ مَنْ يَفْعَلُ هَذَا »؛57 «اين ها شيعه نيستند. شيعه کسي است که اين چنين عمل کند!»

جميل گويد: «از امام صادق(ع) شنيدم که ‌فرمود: مؤمنان خدمتگزار يکديگرند. پرسيدم: چگونه؟ فرمود: يعني براي هم فايده دارند و بعضي بر بعضي سود مي رسانند...»58

22ـ همکاري

« إِذَا رَأَيْتَهُمْ يَعْمَلُونَ فَاعْمَلْ مَعَهُم‏ »؛59 «اگر ديدي کار مي‌کنند تو نيز با آنان همراه باش.»

و در فراز ديگري از همين وصيت‌نامه آمده است: « وَ كُنْ لأَصْحَابِكَ مُوَافِقاً إِلاَّ فِي مَعْصِيَةِ الله عَزَّ وَ جَل‏ »؛ «با دوستانت همراهي کن مگر در کاري که معصيت خدا باشد.»

23ـ صدقه و قرض

« وَ إِذَا تَصَدَّقُوا وَ أَعْطَوْا قَرْضاً فَأَعْطِ مَعَهُم ».60

«اگر کساني صدقه و قرض دادند، تو نيز با آنان همراهي کن.»

گاه پيش مي‌آيد که در سفر اموال کسي به سرقت مي‌رود، در اين صورت اگر مصلحت در اين بـودکــه پــولي به او قرض بدهند، خوب است با دوستان همراهي کني و به مقدار توان به مال‌باخته قرض بدهي.

24ـ احترام بزرگ‌تر

« وَ اسْمَعْ لِمَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ سِنّاً ». 61

«و از کسي که سنش از تو بيشتر است حرف شنوي داشته باش.»

از آنجاکه افراد داراي سن و سال از تجربة بيشتري برخوردار هستند، بايد از نظريات آن ها استفاده کرد. امير مؤمنان(ع) مي‌فرمايد: « رَأْيُ الشَّيْخِ أَحَبُّ إِلَيَّ ... مِنْ مَشْهَدِ الْغُلاَم »؛62 «نظرية شخص مسن و جا افتاده در نزد من، از حضور جوان بهتر است.»

25ـ نماز به هنگام ورود و خروج

« وَ إِذَا نَزَلْتَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ تَجْلِسَ ... وَ إِذَا ارْتَحَلْتَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ وَدِّعِ الأَرْضَ الَّتِي حَلَلْتَ بِهَا، وَ سَلِّمْ عَلَيْهَا وَ عَلَي أَهْلِهَا فَإِنَّ لِكُلِّ بُقْعَةٍ أَهْلاً مِنَ الْمَلائِكَة ».63

«هرگاه در جايي اتراق کردي، پيش از آن که بنشيني دو رکعت نماز بگزار و وقتي که وارد مکاني شدي دو رکعت نماز بخوان و همچنين وقتي کوچ کردي دو رکعت نماز بخوان و آن گاه با سرزميني که در آن فرود آمدي خداحافظي کن و بر آن و ساکنانش درود فرست؛ زيرا هر سرزميني را ساکناني از فرشتگان است.»

26ـ در سه چيز از آنان برتر باش

« وَ اغْلِبْهُمْ بِثَلاَثٍ: بِطُولِ الصَّمْتِ، وَ كَثْرَةِ الصَّلاَةِ، وَ سَخَاءِ النَّفْسِ بِمَا مَعَكَ مِنْ دَابَّةٍ، أَوْ مَالٍ، أَوْ زَادٍ ».64

«... در سه چيز از آنان برتر باش؛ خاموشي، کثرت نماز و بخشندگي در مرکب يا دارايي و يا توشه‌اي که همراه داري.»

27ـ شهادت به حق

« وَ إِذَا اسْتَشْهَدُوكَ عَلَي الْحَقِّ فَاشْهَدْ لَهُمْ ». 65

«اگر در امر حقي از تو شهادت خواستند، شهادت بده.»

28ـ همراهي

« وَ إِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَكَ يَمْشُونَ فَامْشِ مَعَهُم‏ ». 66

«اگر همسفرانت راه افتادند، تو نيز با آنان راه بيفت.»

29ـ مشورت

« وَ اجْهَدْ رَأْيَكَ لَهُمْ إِذَا اسْتَشَارُوكَ ». 67

«و اگر از تو مشورت و نظر خواستند، با تمام توان انديشه‌ات را براي آنان به کار گير.»

در صحيحة معاوية بن عمار در آداب سفر آمده است:

30ـ کنترل زبان

امام صادق(ع) فرمود: «وَ كُفَّ لِسَانَك‏» ؛68 «زبانت را نگه‌دار».

در نهج‌البلاغة مولاي عارفان آمده است: «زبان حيوان درنده‌اي است که اگر رها شود نيش خواهد زد (مي‌درد) چه بسا با يک سخن، شادي‌ها به غم، دوستي‌ها به دشمني و محبت‌ها به کينه بدل شده است! لذا اگر مي‌خواهيم سفري آرام داشته باشيم، بايد در حفظ زبان بکوشيم. آقاي حسن‌زاده زيبا سروده است:

بديدم با نخ و سوزن لبانم همي دوزند و سوزد جسم و جانم

بديدم با نخ و سوزن لبانم بگفتند اين بود کيفر هر آن را

31ـ کنترل خشم

امام صادق(ع) فرمود: «وَ اكْظِمْ غَيْظَك‏» ؛ 69 «خشمت را کنترل کن.»

از آنجا که سفر معمولاً با کم خوابي، خستگي، گرما، سرما و تغييرات آب و هوا همراه است، زمينة ناراحتي و عصبانيت فراهم‌تر است؛ لذا امام صادق(ع) دعوت به حلم و بردباري مي‌کند؛ چرا که غضب به منزلة شعلة آتش است که اگر در همان لحظة آغاز خاموش نشود، خسارات جبران‌ناپذيري به وجود مي آورد. دادن صدقه، براي کنترل خشم بسيار مؤثر و مجرّب است؛ إن شِئتُم جَرّبتُم.

32ـ خودداري از لغويات

امام صادق(ع) فرمود: « وَ أَقِلَّ لَغْوَك‏»؛ 70 «از سخنان لغو و بيهوده کم کن.»

بيشترين گناهاني که از انسان صادر مي‌شود، از ناحية «زبان» است. انسان نبايد سخن بگويد، مگر آنجاکه به حق و بجا باشد و گرنه، به يقين سکوت بهتر است. هميشه تعداد کساني که از گفتن سخن پشيمان اند، به مراتب بيشتر است از کساني که از «سکوت» پشيمان شده‌اند. لذا گفته شده: « مَنْ صَمَتَ نَجَا».71 از وجود مبارک پيامبر اعظم(ص) نقل شده که فرمود: « طُوبَي لِمَنْ أَنْفَقَ فَضَلاَتِ مَالِهِ وَ أَمْسَكَ فَضَلاَتِ لِسَانِهِ »؛ 72 «خوشا به حال كسي كه انفاق كند زيادي هاي مالش را و نگاه دارد زيادي هاي زبانش را.»

عمل به اين حديث، در همة مواقع، بسيار مهم است؛ به خصوص در سفر که انسان بايد سخاوت بيشتري داشته و مواظب باشد با گفتن کلام لغو و بي‌فايده‌اي، لذت سفر را به رنج مبدل نکند.

33ـ هديه

پيامبر خدا (ص) « إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ إِلَي سَفَرٍ ثُمَّ قَدِمَ عَلَي أَهْلِهِ فَلْيُهْدِهِمْ وَ لْيُطْرِفْهُمْ وَ لَوْ حِجَارَةً ». 73

«هرگاه يکي از شما به سفر رفت در بازگشت حتي اگر شده يک قطعه سنگ براي خانواده‌اش هديه و تحفه بياورد.»

34ـ نماز اول وقت

« يَا بُنَيَّ وَ إِذَا جَاءَ وَقْتُ صَلاةٍ فَلاَ تُؤَخِّرْهَا لِشَيْ‏ءٍ وَ صَلِّهَا وَ اسْتَرِحْ مِنْهَا فَإِنَّهَا دَيْن ».‏ 74

«بهترين الگو براي ما مسلمانان، پيامبر خدا(ص) و خاندان گرامي ايشان است. شيوه ومرام تمام اين بزرگان بر اين بود که به خاطر هيچ کاري نماز اول وقت را به تأخير نمي‌انداختند حتي در سفر.»

در حالات ائمة معصوم(هم) آمده است: «هرگاه زمان نماز فرا مي‌رسيد، اندامشان مي لرزيد، رنگ چهره شان دگرگون مي‌شد، وقتي علت را جويا مي‌شدند، مي‌فرمودند: «لحظة اداي امانتي است که آسمان ها و زمين و کوه ها زير بار آن نرفتند و آن را برنتافتند!»75

و يا مي‌فرمودند: «سزاوار است کسي که در پيشگاه خدا مي‌ايستد، رنگش پريده و بندبند اعضايش بلرزد!»

امير مؤمنان، علي(ع) در فرماني به محمد بن ابي بکر ـ آنگاه که او را والي مصر قرار داد ـ چنين نگاشت:

« صَلِّ الصَّلاَةَ لِوَقْتِهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا وَ لاَ تُعَجِّلْ وَقْتَهَا لِفَرَاغٍ وَ لاَ تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لاشْتِغَالٍ وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْ‏ءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبَعٌ لِصَلاَتِكَ ».76

«نماز را در وقت معين آن به جا آور. نه به خاطر فراغت و بيکاري در انجام آن شتاب کن و نه به بهانة کار، آن را به تأخير بينداز، بدان که همة اعمال تو بسته به نماز تو است.»

در قرآن کريم خداوند نسبت به کساني که نسبت به نماز مسامحه وسهل انگاري مي‌کنند، با لحني تهديدآميز سخن گفته است.

در سوره ماعون مي‌فرمايد:

( فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُونَ ).77

«واي بر نمازگزاراني که از نمازشان غافل‌اند! [و در انجام آن سهل انگاري مي‌کنند] .»

پيامبر خدا(ص) ‌ نيز فرموده اند:

«نمازهاي خود را تباه و ضايع نسازيد؛ زيرا کسي که نمازش را ضايع کند، در روز قيامت با قارون و هامان محشور گردد و بر خداوند است که او را همراه با منافقين وارد آتش کند. پس واي بر کسي که مراقب نماز و انجام سنن آن نيست.»78

در حديثي ديگر، امام صادق(ع) از پيامبر(ص) نقل کرده اند که فرمود:

«شيطان از انسان مؤمني که مراقبت مي‌کند نمازهاي پنج گانه اش را در وقت مقرّر بخواند، در هراس است. پس هر گاه مؤمن نمازهاي خود را ضايع نموده [نسبت به آن مراقبت نداشته باشد] شيطان جرأت يافته، آن فرد را به گناهان بزرگ مبتلا مي‌کند.»79

امام صادق(ع) همچنين در حديث مبسوطي فرمودند:

«ملک الموت شيطان را از کسي که نسبت به نماز خود مراقبت دارد، دور مي‌کند و در لحظة حساس و خطرناک مرگ، شهادت به وحدانيت خدا و رسالت پيامبر(ص) را به او تلقين مي‌کند.»80

از زبان برخي از ائمه: مکرر نقل شده که پيامبر خدا(ص) فرمود:

«آن کس که نماز را سبک بشمارد، از من نيست و به خدا سوگند در حوض کوثر بر من وارد نمي‌شود.» 81

ابو بصير گويد: بر اُمّ حميده وارد شدم تا رحلت امام صادق(ع) را به ايشان تسليت بگويم، پس او گريست و من نيز از گريه او گريستم. در اين هنگام بود که گفت:

اي ابا محمد، امام صادق(ع) هنگام مرگ چشمانش را گشوده، فرمود: هر کس را که ميان من و او خويشاوندي هست، جمع کنيد و ما همه را جمع کرديم. آنگاه امام به آنان نگريسته، فرمود:

« إِنَّ شَفَاعَتَنَا لاَ تَنَالُ مُسْتَخِفّاً بِالصَّلاةِ ».82

«کسي که نمازرا سبک شمارد، به شفاعت ما نمي‌رسد.»

با توجه به آنچه گفته شد، زائر سرزمين وحي بايد بيش از گذشته نسبت به نماز اهميت دهد و بکوشد در اول وقت آن را اقامه کند و هرگز هنگام نماز در کوچه و خيابان پرسه نزند و چهرة شيعه را در نگاه و منظر ديگر مسلمانان خدشه دار نسازد.

پيامبر(ص) فرمود: «براي هر چيزي صورتي است و صورت دين شما نماز است. پس هيچ يک از شما چهرة دين خود را زشت نکند.» 83

نماز وسيله‌اي براي پاک کردن روح آدمي است. از اين رو، بايد به استقبال آن شتافت و در نخستين فرصت، روح و جان را از آلودگي ها پاک کرد.

پيامبر(ص) ‌ تشبيه زيبايي در اين زمينه داشته و به برخي از اصحاب خود فرمودند:

«اگر رو بروي درِ خانة هر يک از شما نهري جاري باشد و هر روز پنج مرتبه خود را در آن بشوييد، آيا چرکي در بدنتان باقي مي‌ماند؟ گفتيم: نه. فرمود: مَثَل نماز نيز همچون نهر جاري است، هر نمازي را که بخوانيد گناهان شما در فاصلة بين نمازها را پاک مي‌کند.»84

قزّاز گويد: حضرت رضا(ع) براي استقبال از برخي علويان از شهر بيرون رفت. در اين هنگام وقت نماز فرارسيد. حضرت راه خود را به طرف کوشکي که در آن نزديکي بود کج کرد و زير صخره‌اي فرود آمد و فرمود: اذان بگو. عرض کردم: منتظر مي‌مانيم تا يارانمان هم به ما ملحق شوند. حضرت فرمود: خدا تو را بيامرزد، هرگز نمازت را بدون علت از اول وقت به تأخير مينداز. هميشه رعايت اول وقت را بکن، من اذان گفتم و نماز خوانديم.»

35ـ نماز جماعت

لقمان عليه‌الرحمه در اندرز به فرزندش گفت:

« وَ صَلِّ فِي جَمَاعَةٍ وَ لَوْ عَلَي رَأْسِ زُجٍّ ». 85

«نماز را با جماعت بخوان گرچه بر سر نيزه باشد.»

از اين بيان حکيمانه استفاده مي‌شود که حتي در سخت‌ترين وضعيت نبايد جماعت را ترک کرد! توصيه و تأکيد اسلام بر نماز جماعت، حتي در مسافرت، به خاطر فوايد عظيمي است که بر اين فريضة الهي مترتب است؛ از جمله، نماز جماعت موجب کمک کردن به يکديگر در راه نيکي و تقوا و باز داشتن از بسياري از معاصي در پيشگاه خداي ـ عزّ و جل ـ است. 86

36ـ تلاوت قرآن

« عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابِ الله عَزَّ وَ جَلَّ مَا دُمْتَ رَاكِباً... ». 87

«بر تو باد كه تا سوار مركبي، قرآن بخواني ، وچون به كاري مشغولي، تسبيح بگويي...»

در مسافرت فرصت‌هايي پيش مي‌آيد که بايد انسان ساعت‌ها در مکاني آرام بنشيند تا به مقصد برسد، مانند هواپيما. چه بسيار زيبا است که آدم فرصت را غنيمت شمرده و خود را در محضر قرآن قرار دهد. در عظمت قرآن همين بس که خداوند تعليم قرآن را بر خلقت انسان مقدم داشته است؛ ( الرَّحْمنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الإِنْسانَ ) از اين بيان نوراني استفاده مي‌شود که قرآن کريم بزرگترين نعمت الهي است؛ لذا خداوند آن را بر همة نعمت‌ها، حتي نعمت خلقت انسان مقدم داشت.88

37ـ ذکر

« وَ عَلَيْكَ بِالتَّسْبِيحِ مَا دُمْتَ عَامِلاً عَمَلاً وَ عَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ مَا دُمْتَ خَالِياً ». 89

«بر تو باد به ياد خدا بودن، مادام که به کاري مشغولي و آنگاه که فارغ البال هستي، از دعا غفلت نکن.»

آنچه از تعاليم الهي استنباط مي‌شود اين است که سالک الي الله بايد لحظه‌اي از ياد مولي غافل نشود.

گر به همه عمرِ خود، با تو برآرم دمي

حاصل عمر آن دم است، باقي ايام رفت

براي هر چيزي حدّي بيان کرده‌اند جز ياد خدا که حدّ ندارد؛ « اذْكُرُوا الله ذِكْراً كَثِيراً ». 90

38ـ حرکت در آخر شب

« وَ إِيَّاكَ وَ السَّيْرَ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ وَ سِرْ فِي آخِرِهِ ». 91

«از مسافرت در اول شب بپرهيز و در آخر شب سفر کن.»

حرکت در آخر شب، علاوه بر اين که بدن استراحت کرده و آمادگي بيشتري دارد، به روشنايي نزديک مي‌شود و چنانچه مشکلي اتفاق بيفتد، زودتر برطرف خواهد شد.

39ـ بلند نکردن صدا

« وَ إِيَّاكَ وَ رَفْعَ الصَّوْتِ فِي مَسِيرِكَ ».92

«از بلند کردن صدا در سفر پرهيز کن.»

صداي بلند همواره با ناراحتي ديگران همراه است؛ گاهي ممکن است مانع خواب وسلب آسايش از ديگران شود.

40ـ به همراه داشتن لوازم اوليه

لقمان در وصيت و سفارش خود به فرزندش مي گويد:

« يَا بُنَيَّ سَافِرْ بِسَيْفِكَ وَ خُفِّكَ وَ عِمَامَتِكَ وَ حِبَالِكَ وَ سِقَائِكَ وَ خُيُوطِكَ وَ مِخْرَزِكَ ».93

«اي فرزند در مسافرت شمشير، کفش، عمامه، طناب، مشک، نخ و درفش به همراه داشته باش.»

منظور اين است که آنچه براي رفع نيازهاي اوليه لازم است، بايد همراه باشد؛ از قبيل لوازم دفاع شخصي، پوشاک، نوشيدني و... .

بديهي است لوازمي که مسافر بايد به همراه خود داشته باشد به گذشت زمان تغيير مي‌کند.

41ـ به همراه داشتن ادويه

« وَ تَزَوَّدْ مَعَكَ مِنَ الأَدْوِيَةِ مَا تَنْتَفِعُ بِهَا أَنْتَ وَ مَنْ مَعَكَ وَ كُنْ لأَصْحَابِكَ مُوَافِقاً ». 94

«ادويه‌ و داروهايي که براي خود و همسفرانت نياز مي شود، همراه داشته باش.»

به طور معمول سفر همراه است با تغيير آب و هوا و غذا و ممکن است به داروهاي خاص نياز باشدکه تهية آن درسفر مشکل است ولي آوردن آن کم‌ترين زحمت وهزينه را ندارد، لذا مناسب است مسافر با توجه به مزاجش، داروي لازم همراه بردارد و اگر بر ديگران هم نياز شد، به آن ها بدهد.

42ـ انتخاب سالار

پيامبر(ص) مي‌فرمايد: « إِذَا كَانَ ثَلاثَةٌ فِي سَفَرٍ ، فَلْیُؤَمِّرُوا أحَدَهُم ». 95

«هرگاه سه نفر همسفر شدند، از ميان خود يک نفر را به سالاري برگزينند.»

موارد فراواني پيش مي‌آيد که بايد يکي از چند امر انتخاب شود؛ لذا بايد کسي که از تجربة کافي برخوردار است، به عنوان مدير انتخاب شود تا تصميمات مقتضي را بگيرد و از اتلاف وقت و سردرگمي جلوگيري شود.

43ـ انتخاب هم سطح

امام علي(ع) : « لاَ تَصْحَبَنَّ فِي سَفَرٍ مَنْ لاَ يَرَي لَكَ مِنَ الْفَضْلِ عَلَيْهِ كَمَا تَرَي لَهُ عَلَيْكَ ». 96

«با کسي که در تو، نسبت به خودش برتري نمي بيند، همسفر نباش، آنگونه که تو براي او فضيلت و برتري نسبت به خود مي‌بيني».

خاتمه

مرگ در سفر:

در حديث آمده که « مَوْتُ الْغَرِيبِ شَهَادَةٌ »؛97 «مرگ در غربت شهادت است.»

علي‌(ع) بهشت را براي شش گروه ضمانت کرده است:

ـ کسي که براي صدقه (کار خيري) از منزل بيرون رود و بميرد.

ـ کسي که براي عيادت مريض از منزل بيرون رود و بميرد.

ـ کسي که براي جهاد در راه خدا از منزل بيرون رود و بميرد.

ـ کسي که براي نماز جمعه از منزل بيرون رود و بميرد.

ـ کسي که براي حج از منزل بيرون رود و بميرد.

ـ کسي که براي تشييع جنازه از منزل بيرون رود و بميرد. 98

و نيز از امام صادق(ع) نقل شده: «مؤمني نيست که در سرزمين غربت، به دور از خانواد ه اش بميرد، مگر اين که زميني که در آن خدا را عبادت مي‌کرده و لباس‌هايش و درهاي آسماني که عبادات او را به بالا مي‌برده‌اند، بر او مي گريند و دو فرشته که موکل او هستند، بر او گريه مي‌کنند.» 99

امام صادق(ع) فرمود: « مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُوتُ فِي أَرْضِ غُرْبَةٍ تَغِيبُ عَنْهُ فِيهَا بَوَاكِيهِ إِلاَّ بَكَتْهُ بِقَاعُ الأَرْضِ الَّتِي كَانَ يَعْبُدُ الله ـ عَزَّ وَ جَلَّ ـ عَلَيْهَا وَ بَكَتْهُ أَثْوَابُهُ وَ بَكَتْهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ الَّتِي كَانَتْ يَصْعَدُ فِيهَا عَمَلُهُ وَ بَكَاهُ الْمَلَكَانِ الْمُوَكَّلاَنِ بِهِ ».100

و نيز فرمود: « إِنَّ الْغَرِيبَ إِذَا حَضَرَهُ الْمَوْتُ الْتَفَتَ يَمْنَةً وَ يَسْرَةً وَ لَمْ يَرَ أَحَداً رَفَعَ رَأْسَهُ فَيَقُولُ الله عَزَّ وَ جَلَّ ـ إِلَي مَنْ تَلْتَفِتُ إِلَي مَنْ هُوَ خَيْرٌ لَكَ مِنِّي وَ عِزَّتِي وَ جَلالِي لَئِنْ أَطْلَقْتُكَ عَنْ عُقْدَتِكَ لأُصَيِّرَنَّكَ فِي طَاعَتِي وَ لَئِنْ قَبْضَتُكَ لأُصَيِّرَنَّكَ إِلَي كَرَامَتِي ».

«وقتي مرگ غريب فرامي‌رسد به سمت راست و چپ نگاه مي‌کند و کسي را نمي‌بيند سرش را بالا مي‌برد و خداوند مي‌فرمايد: به کجا توجه مي‌کني؟ چه کسي از من براي تو بهتر است؟ به عزت و جلال خودم سوگند اگر تو را رها کنم [از بند مرگ] به بندگي خودم وادارت کنم و اگر جانت را بگيرم تو را بهره‌مند از کرامت خود مي‌کنم.»

با توجه به اين که پيامبر(ص) فرموده است: « إِنَّمَا الأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏ »101 و از آنجا که هدف مسافر، در موارد فوق، قرب الهي است، اگر دچار سانحه شود و از بين برود، به پاداش شهيد نايل مي شود و در رضوان الهي آرام مي‌گيرد و چون هدفش با هدف شهيد يکي بوده، از اجر شهيد هم برخوردار خواهد بود.

مرحوم صاحب جواهر پس از بحث طولاني دربارة مهمترين آداب سفر، احصاي تمام آداب را غير ممکن يا مشکل مي‌داند و پس مشتاقان را به آثار سيد ابن طاووس، علامه مجلسي (بحارالانوار) و محقق کاشاني (المحجّة البيضاء) و شيخ حر عاملي (وسائل الشيعه) ارجاع مي‌دهد.

پی نوشت ها :

1. جواهرالکلام، ج 6 ، ص 508 ؛ کتاب الحج ؛ الوسائل، الباب 13، من ابواب آداب السفر، ح 1

2. عروة الوثقی، ذیل بحث الاغسال المندوبه.

3. جواهرالکلام، ج 2، ص 248

4. اربعین شیخ بهایی، ترجمه، تحقیق و تعلیق: عقیقی بخشایشی، ص 453

5. تفسیر عیاشی، ج 2، ص 292

6. وسائل الشيعه، باب 15، ابواب آداب سفر، ح 5

7. جواهرالکلام، ج6 ، ص 508 به نقل از الحدائق الناضره.

8. وسائل الشيعه، باب 15، ابواب آداب سفر، ح 7

9. همان، ح2

10 . همان، ح3

11 . وسائل الشيعه، باب 8 ، ابواب الصدقه از کتاب زکات.

12. وسائل الشيعه، باب 18، ابواب آداب سفر، ح2

13 . جواهرالکلام، ج6 ، ص 509

14 . جواهرالکلام، ج6، ص 509 ؛ وسائل الشيعه، ج 8 ، ص 275

15. همان.

16. همان.

17. وسائل الشيعه، باب 19، ابواب آداب سفر، ح 1

18. جواهرالکلام، ج 8 ، ص 509 ؛ وسائل الشيعه، ج 8 ، ص 377 ، باب 91 از ابواب سفر، ح 1

19. وسائل الشيعه، باب 24، ابواب آداب سفر، ح2

20. جواهر الکلام، ج 6 ، ص 58

21. التحفه الرضویه، ص 266 ، به نقل از انوار نعمانیه، ج 4

22. وسائل الشيعه، باب 24، ابواب آداب سفر، ح3

23. وسائل الشيعه، باب 24، ابواب آداب سفر، ح 4

24. جواهرالکلام، ج 6 ، ص 510

25. التحفه الرضویه فی مجربات الامامیه، ص 263

26. همان، ح2

27. جواهرالکلام، ج6 ، ص510 ، وسائل الشيعه، باب 19، ابواب آداب سفر، ح5 . نگارنده گوید: این مطلب مجرب است، در شب مشعر حج 85 چون مجبور شدیم حدود چهل زائر که مسن‌ترین و ضعیف‌ترین افراد کاروان بودند، پیاده از اواسط مشعرالحرام تا جمرات برده و بعد از رمی شبانه، به خیمه‌های منا برگردانیم، یاد خدا و تلاوت قرآن به صورت دسته جمعی عامل اصلی این موفقیت بزرگ بود.

28. زخرف: 14ـ 13

29. جواهر، ج6 ، ص 513 ؛ وسائل الشيعه، باب 20 از ابواب آداب سفر، ح 7

30. وسائل الشيعه، باب 2 ، ابواب آداب سفر، ح5

31. جواهر الکلام، ج 6 ، ص512 ، وسائل الشيعه، باب 20 ، ابواب آداب سفر، ح12

32. همان مأخذ، حدیث 3 ؛ اسراء : 81

33. جواهرالکلام، ج6 ، ص513 ، وسائل الشيعه، باب 23 ، از ابواب آداب سفر، ح3

34. وسائل الشيعه، باب 3، از ابواب آداب سفر، ح3

35. همان، حدیث 4

36. جواهرالکلام، ج 6 ، ص 514 ، وسائل الشيعه، باب 8 از ابواب آداب سفر، ح5

37. جواهرالکلام، ج6 ، ص 521 ، وسائل الشيعه، باب 7 از ابواب المزار.

38. وسائل الشيعه، باب 44 از ابواب آداب سفر.

39 . وسائل الشيعه، باب 44 از ابواب آداب سفر.

40. میزان الحکمه، ج5 ، ص2484، به نقل از بحار الانوار، ج76 ، ص277، ح8 ؛ جواهرالکلام، ج6 ، ص524 ؛ وسائل الشيعه، باب 25 از ابواب آداب سفر، ح1. اصل حدیث این است: «عَلَيْكُمْ بِالْبِكْرِ وَ إِنْ بَارَتْ وَ الْجَادَّةِ وَ إِنْ دَارَتْ وَ بِالْمَدِينَةِ وَ إِنْ جَارَتْ».

41. الکافی، ج 8 ، ص 349

42. الکافی، ج 8 ، ص 349 ـ 348

43. میزان الحکمه ، ج 5 ، ص2486، به نقل از بحار الانوار، ج76 ، ص271 ، ح28 ؛ جواهرالکلام، ج6 ، ص524 ؛ وسائل الشيعه، باب 25 از ابواب آداب سفر، ح 1

44. وسائل الشیعه، ج 12، ص 40

45. وسائل الشيعه، باب 35 از ابواب آداب سفر، ح2 ؛ جواهرالکلام، ج 6 ، ص 525

46. وسائل الشيعه، باب 35 از ابواب آداب سفر، ح 1؛ جواهرالکلام، ج 6 ، ص 525

47. وسائل الشيعه، ج 11، ص 432، حدیث 4

48. همان.

49 . همان.

50 . وسائل الشيعه، باب 30 از ابواب آداب سفر، ح1؛ جواهرالکلام، ج 6 ، ص 525

51. مستدرک الوسائل، ج 11، ص 179، ح 12686

52. المحبة فی الکتاب و السنه، ص 67 ،‌ ح 201

53. همان مأخذ.

54. دعائم الاسلام، ج 2، ص 327

55 . همان مأخذ.

56. وسائل الشيعه، باب 35 از ابواب آداب سفر، ح 1؛ جواهرالکلام، ج 6، ص 525

57. کافي، ج2، ص171

58. کافي، ج2، ص173

59. همان.

60. همان.

61. وسائل الشيعه، باب 35 از ابواب آداب سفر، ح 1؛ جواهرالکلام، ج 6 ، ص 525

62. نهج‌البلاغه، حکمت 86

63 . جواهرالکلام، ج 6 ، ص 525

64. همان.

65. جواهرالکلام، ج 6 ، ص 525

66. همان.

67. همان.

68. همان.

69. همان.

70. همان.

71. المحجة البیضاء، ج 6 ، ص 216

72. بحارالانوار، ج 68 ، ص 287

73. المحجة البیضاء، ج 6 ، ص 216

74 . میزان الحکمه، ج 7، ص 3130

75. تفسير صافي، ج2، ص370

76. نهج البلاغه، نامه 27

77. ماعون : 7

78. وسائل الشيعه، ج4، ص30، ح4431

79. وسائل الشيعه، ج4، ص28 ، ح4426

80. وسائل الشيعه، ج4، ص29، ح4429

81. وسائل الشيعه، ج4، ص25، ح4417

82. همان، ص26، ح4423

83. وسائل الشيعه، ج4، ص24، ح4416

84. وسائل الشيعه، ج4، ص12، ح4387

85. همان، ص 3140

86. همان.

87. کافي، ج8 ، ص348

88. المیزان، ج 19، ص 94

89. جواهرالکلام، ج 6 ، ص 525

90. احزاب : 41 و انفال : 45

91 . جواهرالکلام، ج 6 ، ص 525

92. همان.

93. همان.

94. جواهرالکلام، ج 6 ، ص 525

95. همان؛ بحار الانوار، ج 76 ، ص271 ، ح28

96. همان ؛ بحار الانوار، ج76 ، ص267 ، ح8

97. وسائل الشيعه، باب 23 از ابواب آداب سفر، ح 9

98. وسائل الشيعه، باب 23 از ابواب آداب سفر، ح 4

99. وسائل الشيعه، باب 23 از ابواب آداب سفر، ح 3

100. جواهرالکلام، ج 6 ، ص 513 ، وسائل، ج 11، ص 346

101. وسائل الشیعه، ج 1، ص 35، ح 3

منابع و مآخذ

ابن طاووس، علي بن موسي، الامان، قم، موسسة آل البيت، 1409

بحراني، يوسف، الحدائق الناضره في احکام العترة الطاهره، جامعة مدرسين، بي‌تا.

بيهقي، علي بن زيد، معارج نهج‌البلاغه، بوستان قم، 1384

بهايي (شيخ)، حسين، اربعين، مترجم: عبدالرحيم عقيقي بخشايشي، قم، دفتر نشر نويد اسلام، 1373

حرّ عاملي، محمدبن حسن، وسائل الشيعه الي تحصيل مسائل الشريعه، بي‌تا، بي‌نا.

تميمي مغربي، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، 1385

الرضوي، محمد الرضي، التحفة الرضويه في مجربات الاماميه ، بي‌نا، 1416

طباطبايي، محمدحسين، الميزان، جامعه المدرسين، بي‌تا، بي‌نا.

فيض کاشاني، محمدبن شاه مرتضي، المحجة البيضاء، انتشارات اسلامي، بي‌تا.

کليني، محمد بن يعقوب، الکافي، تهران، دارالکتب الاسلاميه، 1367

مجلسي، محمد باقر، بحارالانوار، دارالکتب الاسلاميه، بي‌تا.

محمدي ري شهري. محمد، ميزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامي، 1362

نجفي، محمدحسن، جواهر الکلام، بيروت، لبنان، مؤسسه المرتضي العالميه، دارالمورخ العربي، دار احياء التراث، بي‌تا.